

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۷، ویژه تاریخ اسلام

ازدواج و حقوق خانواده در دوره ساسانی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۲/۱۴

طوبی رنجبر تیلکی*

چکیده

آشنایی با آداب و رسوم گذشته سبب می‌شود که انسان، شناختی از گذشته تمدن کشورش به دست بیاورد و سیر پیشرفت اجتماع خویش را دریابد و همچنین با مطالعه در آن دوران می‌توان فهمید تا چه میزان از آن آداب و رسوم پابرجا مانده است و چه میزان از آن منسوخ گشته است. از آنجاکه انواع ازدواج و شناخت آداب و رسوم آن نقش مهمی در شناخت جوامع دارد در این مقاله به این مطلب پرداخته شد. نگارنده در این مقاله روش توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری کتابخانه‌ای را انتخاب کرده است و از این روش به نتایج روشنی دست یافته است. با کندوکاو در آن دوران می‌توان دریافت که آداب و رسومی بر ازدواج در جامعه باستان حاکم بوده است و از همان دوران ازدواج دارای اهمیت بوده است و در واقع پایه زندگی ایرانیان باستان را تشکیل می‌داده است. پدر به عنوان سرپرست و ولی دختر، نقش اساسی در ازدواج او داشت و در نبود او قیم که ابتدا مادر بود این نقش را ایفاء می‌کرد. در آن دوران هم پدر و مادر به عنوان پشتیبان و حامی فرزندان برای آنان نقش حمایتی داشتند. مقدمات ازدواج در ایران امروز و بعضی از آداب و رسومی که بر جامعه حاکم است یادگار آن دوران است مثل جهیزیه دادن پدر عروس به دختر.

واژه‌های کلیدی: ایران باستان، زرتشت، خانواده، ازدواج.

مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» الروم (۳۰). و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! قرآن کریم فلسفه ازدواج را آرامش زن و مرد می‌داند و می‌فرماید این آرامش با مودت و رحمتی که خداوند در بین شما قرار داد به دست می‌آید.

خداوند کریم بایان این مطلب که «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» البقره (۱۸۷). آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها.

راهکار و شاه‌کلید یک زندگی موفق را بیان می‌کند وقتی می‌فرماید زن و شوهر لباس یکدیگرند درواقع دارد وظایف این دو را به یکدیگر گوشزد می‌کند.

ایمنی از سرما و گرما، پوشاندن عیوب و نقایص بدن، افزودن جمال و زیبایی انسان بالباس است، زن و شوهر هم باید این‌گونه باشند. عیوب هم را بیپوشانند، در رفع آن به هم یاری رسانند و حافظ اسرار هم باشند و همچنین عامل و وقار زیبایی یکدیگر باشند.

درواقع هدف تشکیل خانواده آرامش روحی و تسکین همسران است و این‌که در پرتو آرامش روحی، انسان به آرامش جسمی می‌رسد نتیجه دوستی و مهربانی بین آن‌هاست و دیگر اهداف ازدواج پاسخگویی به نیاز جسمی، تعلیم و تربیت فرزندان و بقاء نسل، تعالی و تکامل روحی زوجین است.

در تمام ادیان به ازدواج توصیه شده است «پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: ازدواج کنید و به ازدواج درآورید... و چیزی دوست داشتنی تر از این نزد خداوند نیست که خانه اسلام، با ازدواج آباد می شود.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ه ق، ج ۱۷ ص ۳۳۳)

در دین زرتشت اشی^۱ اله باروری و زناشویی به مؤمنین برکت و هرگونه سعادت را ارزانی می داشت. (آرتور کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۵۷)

در مذهب زرتشت، دوشیزگان و پسران مجرد به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب شده اند. بنا به مندرجات اوستا: «مردی که زن دارد بر آنکه چنین نیست فضیلت دارد و مردی که خانواده ای را سرپرستی می کند بر آنکه خانواده ندارد فضیلت دارد.» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۶)

آنچه در این مقاله به آن پرداخته می شود ازدواج در ایران باستان است. تشکیل خانواده در قالب ازدواج، از سنت های دیرین ایرانیان بوده است. خانواده کوچک ترین نهاد اجتماعی است و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین سبب تشکیل خانواده امری روشمند، قانون مدار و حساب شده است.

در جوامع مختلف، نوع نگرش به خانواده متفاوت است و این تفاوت ناشی از اعتقادات و فرهنگ حاکم بر جامعه است. نگارنده در این مقاله سعی دارد پاسخ چگونگی ازدواج در باستان را با یاری خداوند و استعانت از تلاش مورخین بیابد و با یافتن پاسخی درست و در شأن مسئله، روزنه جدیدی را از تاریخ ایرانیان باستان بگشاید.

۱- ازدواج در باستان

در نخستین تمدن آریایی، مهم ترین واقعه خانوادگی، زناشویی بوده است که از مراسم دینی به شمار می رفت. آنچه که مطالعات منابع دوران ایران باستان نشان می دهد زرتشت

۱. اشی از آشون و آشون از آشا می آید به معنی راستی و حقیقت است. مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۹۴.

برای شخصی که ازدواج می‌کرد و خانواده داشت بیش از فرد مجرد ارزش قائل بود. نمونه‌هایی از توصیه به امر ازدواج در آیین زرتشت در کتاب‌های مختلف آمده است و مؤید این موضوع است: «دردمند است کسی که عقل ندارد، رنجور است کسی که زن ندارد، بی‌نام‌ونشان است کسی که فرزند ندارد و بی‌ارزش است کسی که خواسته و میلی ندارد و بی‌حال است کسی که تنهاست و از همه بدتر کسی است که از نظر روحی و روانی تنهاست و جفتی ندارد»^۱.

جناب زردشت از اهورامزدا می‌پرسد: دومین نقطه زمین کجاست که زمین در آنجا خود را خوشبخت احساس می‌کند؟ اهورامزدا می‌گوید: «چنین جایی، آنجاست که اشونی خانه‌ای بر پای دارد با موبدی در آن؛ با گله‌ای گاو، کدبانویی، فرزندان و رمه‌هایی خوب در آن، خانه‌ای که در آن، گله‌ی گاو به خوبی پرورده شود؛ اشونی افزونی گیرد؛ خوراک ستوران فراوان باشد؛ سگ خوب پرورش یابد؛ کدبانو کامیاب شود؛ فرزندان ببالند؛ آتش فروزان بماند و هر یک از نیایش‌های نیک زندگی به خوبی بر خوانده شود». (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۶)

در آیین زرتشت ازدواج تنها به منظور رفع حواجج جسمانی و جنسی نبود بلکه برای آن هدف و آرمانی، بسیار عالی و مترقی داشتند. زناشویی در دین زرتشت، عملی مقدس و ستایش‌انگیز است که از هرگونه تحقیر و تبعیض و نابرابری به دور است و هدف آن فراهم کردن وسایل پیشرفت معنوی و غلبه‌ی نهایی نیکی بر بدی و مشارکت در نهضت بزرگ روحی است که در بیشتر ادیان الهی به بشر وعده داده شده است.

به قول «گیگر» دانشمند بزرگ آلمانی و نویسنده کتاب «تمدن ایرانیان خاوری» از خصوصیات موقعیت حقوقی برابری زن و مرد در دین زرتشت آن است که مرد پس از

۱. «به درد است آنکو خرد ندارد، رنجور است آنکو زن ندارد، بی‌نام (گمنام) است آنکو فرزند ندارد، دِش‌ارز (بی‌ارزش) است آنکو خواسته ندارد، سست است آنکو کس ندارد، از این‌همه آن سری‌تر (بدتر) کی روان ندارد فر جفت.» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۷)

زناشویی به لقب «نمان پیتی» - سرور و کدخدای خانه - ملقب می‌گشت و زن پس از زناشویی به لقب «نمانوپیتی» - نور و فروغ خانه - ملقب می‌گشت به عبارت دیگر مرد کدخدا و زن کدبانوی خانه بود. زن پس از ازدواج در صف همسری شوهر قرار می‌گرفت نه در ردیف اموال و یا از تابعین او. (م. باقری، ۱۳۹۰، مقاله)

در آیین زرتشت، مؤمن واقعی کسی است که جسم خود را قوی سازد و تعداد آفریدگان اهورامزدا را افزایش دهد، با زنی نیکو نژاد و دین‌دار ازدواج کند و کودکانی قوی بار آورد، در این مذهب، ریاضت و محرومیت از زندگی زناشویی امری بی‌هوده است. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۱)

توصیه شده است که زنی از خانواده اصیل، انتخاب کن که نام نیک دارد، باحیا است و ترس از بدی دارد و پدر و جد و همسر خود را دوست دارد.^۱

برای زناشویی، تناسب سن را میان زن و شوهر رعایت می‌کردند. از یک پیر بچه طبیعت که زن برنا به زنی گیرد و یک مرد جوان که زن پیر به زنی کند، به بدی یاد کرده‌اند. عدم تناسب سنی عدم درک متقابل را به ارمغان دارد هر یک در دنیای خودش زندگی می‌کند و نزدیک کردن عقاید و خواسته‌های این دو به یکدیگر کار مشکلی است. آنان بر این باور هستند که «چیزهای گیتی به ۲۵ بهر نهاده است: پنج چیز به بخت، پنج به کردار، پنج به خوی، پنج به گوهر، پنج به ارث. زندگی و زن و فرزند و فرمانروایی و خواسته به بخت است».

فردوسی در شاهنامه می‌گوید زن و مرد برای یکدیگرند. مرد از برای زنان‌اند و زن فزون‌تر ز مردان بود خواستن. (سعادت‌مند، خانواده در شاهنامه، ۱۳۹۲، پیش‌گفتار، ص ۱۵)

۱. «زن گوهر دار (اصیل) گزین، چه آن بهتر و سرانجام نیک‌نام‌تر بود. به زن جوان گوهر دار نیک‌نام خوب طبیعت، خانه افروز که او را شرم و بیم، نیک باشد و پدر و نیا و شوی و سردار خویش را دوست دارد.»

در آیین زرتشت محدودیت فرزند وجود نداشت و توصیه می‌شد که با زنان خوش‌خلق و خوش‌رفتار ازدواج کنید، در منابع اوستایی، مکرر از زنان نیکوخصال به‌خوبی یاد شده است. در کتاب داستان مینوک خرت آمده است: «بهترین آرامش، زن نیک خوب طبیعت است» و «از زنان آن بدتر که با او به آرامش نشاید زیست». باز در همین کتاب آمده است که: «پرسید دانا از مینوی خرد که را بیشتر مراقبت باید کرد؟ مینوی خرد پاسخ کرد: پسر برنا، زن مستور، آتش.»

در دین ایران، فرزند داشتن ستوده است و هرکس فرزند نداشته باشد باید فرزندی برگزیند تا در روز پسین در سر پل چینوت (صراط) دستگیر و راهنمای پدر و مادر باشد... کسی که به سن ۱۴ سال و سه ماه رسیده درگذرد، باید از برای او «ستر» (فرزندخوانده) برگزیند. اگر کسی پسر نداشته باشد اما دختر داشته باشد، در روز پسین از پل چینوت تواند گذشتن و نیازمند فرزندخوانده نباشد و زن او که دیگری برگزیند، اگر از شوی دومی پسر آورد باید او را پسرخوانده شوی نخستین خود کند. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۹۰)

«کسی را که از تو بهره‌ای یابد پسران بسیار می‌بخشی و او را پاک‌تر و فرزانه‌تر می‌کنی». (دوستخواه، ۱۳۷۱، اوستا، یسنه ۱۴۷)

آنچه در نظر پارس‌ها برای یک مرد موجب اهمیت و اعتبار است در درجه اول شجاعت و تهور است در جنگ و در درجه دوم داشتن عده زیادی فرزند است. پادشاه هر سال به کسی که بتواند عده بیشتری فرزند از خود نشان دهد، هدایایی می‌بخشد، زیرا پارس‌ها عقیده دارند که قدرت آن‌ها در کثرت نفوس آن‌ها است. (هردوت، تاریخ هردوت، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۹)

در نیایش‌های اوستا در کتاب زرتشت در مورد فرزندان مطالبی آمده است از جمله این که میباید که این خانه از خوشی فر و هستی و فرزندان برازنده و همراهی دیرپای آشی

نیک - آن که آشونان را به خوشی رهنمون است - تهی ماند. (دوستخواه، ۱۳۷۱، اوستا، هات ۶۰، ص ۲۳۶)

در طلب فرزند با خصلت‌های نیکو می‌گوید: مرا فرزندانِ رسا و کاردان و دین‌گستر کشور پرور و انجمن آرا، باهم بالنده، نیک‌اندیش و از تنگنا رهاکننده بخش که خانمان و روستا و شهر و کشور و نام و آوازه کشور را افزایش بخشند. (دوستخواه، ۱۳۷۱، اوستا، یسنه ۲۴۱)

۱-۱. مراحل ازدواج در باستان

دوره ساسانی مانند ادوار دیگر تاریخ بشری دارای فرهنگ و تمدن خاص خود بود در این دوران ازدواج کردن دارای آیین خاصی بود از جمله اینکه شوهر دادن دختر در درجه اول منوط به اجازه پدر بود و اگر پدر در قید حیات نبود قیم دختر این وظیفه را به عهده داشت، در منابع مرتبط در این باره آمده در نبود پدر، این حق نخست به مادر تعلق می‌گرفت و اگر مادرمرده بود، متوجه یکی از اعمام یا احوال دختر می‌شد. دختر خود مستقلاً حق اختیار همسر نداشت. از طرف دیگر پدر یا شخص دیگر که ولی دختر به شمار می‌رفت، مکلف بود به مجرد رسیدن به سن بلوغ، او را به شوهر دهد زیرا که منع دختر از توالد گناه عظیمی به شمار می‌آمد. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۴۰)

۱-۱-۱. خواستگاری

اغلب وصلت به وسیله یک نفر واسطه به عمل می‌آمد. بیست‌سالگی سن قانونی ازدواج مردان بود. مرد برای ازدواج به یک رابط مراجعه می‌کرد. صحبت در باب خواستگاری، شرایط عقد و تعیین مهریه، تعیین جهاز و چگونگی مقدار آن از وظایف رابط با پدر دختر بود. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ترجمه، ص ۴۴۰)

معمولاً خانواده داماد یک نفر را به عنوان واسطه یا رابط انتخاب می‌کرد آن شخص ابتدا برای خواستگاری از پدر عروس اجازه می‌گرفت و این شخص تا آخر در جریانات عقد و عروسی نقش رابط را بازی می‌کرد.

۲-۱-۱. مهر برون

در منابع ایران باستان به مهریه اشاره شده است اما نگارنده طی مصاحبه‌ای که با جناب موبد سروش پور - موبد زرتشتی - داشتم، ایشان فرمودند در آیین زرتشت مهریه وجود نداشته و ندارد و این مسئله با توجه به اینکه بعدها، طلاق را مجاز دانستند مشکل‌ساز شده است. مطابق منابع مکتوب، ایرانیان باستان - قبل از زرتشت - برای زنان مهریه تعیین می‌کردند تعیین مهریه جزء یکی از آداب ازدواج بود، ابتدا مهر را معین می‌کردند، پس آنگاه شوهر مبلغی به پدر آن دختر می‌پرداخت لکن می‌توانست آن پول را در بعضی موارد مجدد مطالبه کند «اگر بعد از عروسی معلوم می‌شد که زن ارزش آن مبلغ را ندارد». به ظاهر مقصود از این عبارت آن است که زن عقیم باشد. (پیرنیا، ۱۳۷۵، تاریخ ایران باستان، ج ۴، ص ۲)

مهریه و نفقه واجب در آیین زرتشت وجود ندارد. البته باید دانست هر مرد زرتشتی موظف است هزینه‌های خوراک و پوشاک متعارف همسرش را تأمین کند. (جناب آقای موبد سروش پور)

۳-۱-۱. نامزدی

مراسم نامزدی غالباً در سن طفولیت به عمل می‌آمد. (پیرنیا، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۸۷۸)

نامزد بایستی وجهی به پدر و مادر دختر بدهد و اگر دختر عقیم بود این وجه مسترد

می‌گردید. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۳۹)

۴-۱-۱. عروسی

عروسی در جوانی صورت می‌گرفت. در پانزده سالگی دختر باید شوهردار می‌شد. پدر نایبستی دختر را مجبور به اختیار شوهری که خود تعیین کرده بود، بنماید و اگر دختر ابا می‌کرد، پدر حق نداشت او را بدین سبب از ارث محروم کند. پس از عقد ازدواج، اجر اعمال خیر زن متوجه شوهرش می‌شد. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۳۹)

زن و شوهر پیش از وقت، یکدیگر را می‌پسندیدند و سپس عقد زناشویی را بنا بر آیین خاصی می‌بستند. نخست داماد جامه نو می‌پوشید و با دوستان و خویشاوندان به خانه عروس می‌رفت. عروس را به زیباترین وجهی می‌آراستند و داماد دست وی را می‌گرفت و باهم بر فراز تخته‌سنگی می‌ایستادند. داماد به عروس می‌گفت: «من مَرَدَم، تو زن. من آسمانم، تو زمین. من و تو باهم در اینجا می‌نشینیم و از ما فرزندان به جهان خواهند آمد». سپس داماد عروس را بر ارا به‌ای که گاوهای سفید بر آن بسته بودند و با گل‌های خودرو آراسته بودند می‌نشاند و با ساز و سرود او را به خانه خود می‌برد. این آیین رفتن داماد به خانه عروس و آوردن او به خانه خود با ساز و آواز، در ایران تا دوره بعد از اسلام رایج بود و هنوز هم در برخی از نواحی ایران رواج دارد. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۷۹)

توصیه برای حفظ کانون خانواده، انتخاب همسر خوب، ذکر صفات مرد و زن خوب، همه تأییدکننده اهمیت ازدواج در ایران باستان است و تداعی‌کننده این مسئله است که از ابتدا باید آگاهانه و عاقلانه قدم برداشت چراکه شریک و همسری هم‌کفو و تا حدودی هم‌فکر و از جهت اعتقادی محکم، از جهت اخلاقی صبور و آرام و باگذشت، از جهت اقتصادی متعادل؛ می‌تواند همراه خوب و پایدار در جهت پیشبرد اهداف عالی خانواده باشد.

بار سنگین مسئولیت زندگی، بیشتر بر دوش زنان بود. آن قدر که در مورد زنان حکیم و اقتصاددان سخن گفته شد، کمتر در مورد مردان، سخن به میان آمده است گویی زندگی، تنها با محوریت زن می‌چرخید. در منابع آن دوره، صفات زن خوب را، بسیار بیان

کرده‌اند و تأکید داشتند که ازدواج با زن دارای این صفات، موجب داشتن خانواده‌ای سالم و صمیمی می‌شد.

زن خوب، تمامی روزهای عمر خود برای شوهر، خوبی خواهد کرد و نه بدی. پشم و کتان را می‌جوید و با رغبت کار می‌کند. او مثل کشتی‌های تجاری است که خوراک خود را از دور می‌آورد. وقتی هنوز شب است برمی‌خیزد و به اهل خانه، خوراک و به کنیزان حصه ایشان را می‌دهد ... چراغش در شب خاموش نمی‌شود، دست‌های خود را به دوک دراز می‌کند و انگشت‌هایش چرخ را می‌گیرد، کف‌های خود را برای فقیران مبسوط می‌سازد ... برای خود اسباب‌های زینت می‌سازد، لباسش از کتان نازک و ارغوان است. شوهرش در دربارها معروف می‌باشد و در میان مشایخ ولایت می‌نشیند. جامه‌های از کتان ساخته آنان را می‌فروشد. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۴)

تحصیل رضایت خداوند در گرفتن همسر خوب است، ۱ همسر با صفات ستوده نه‌تنها چرخ زندگی را می‌چرخاند بلکه موجب پیشرفت و ترقی شوهرش می‌شود. زن و شوهر برای داشتن یک زندگی خوب و موفق باید حدود و احترام یکدیگر حفظ کنند و نظرات و پیشنهادات یکدیگر را بشنوند تا بتوانند زندگی خوبی را تشکیل دهند خوب سخن گفتن، خوب شنیدن و خوب دیدن، از مسائل مهم زندگی است که باید به آن توجه داشته باشند. در منابع باستان بیشتر به احترام به شوهر توصیه شده است اما وقتی مباحث خانوادگی دوران باستان مطالعه می‌شود ملاحظه می‌گردد که اجتماع در حال رشد بوده و زنان به همراه نقش سنگین‌تری که دارند کم‌کم جایگاه اجتماعی بهتری در جامعه پیدا می‌کنند.

آنچه از منابع باستان در دسترس است تاریخ سیاسی است. از تاریخ اجتماعی و عامه مردم، اطلاعات کاملی در دست نیست به همین علت نمی‌توان گفت که در همه دوران ایران باستان، زنان از شئون اجتماعی کامل و برابر با مردان برخوردار بودند. این مسئله به

۱. هر که زوجه یابد چیز نیکو یافته است و رضامندی خداوند را تحصیل کرده است. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۶۷)

فرهنگ خانواده و روحیات مردان و زنان آن دوره و نقش پررنگ یا کم‌رنگ زن در زندگی بستگی داشت حتی در دربار هم بانوان درباری متفاوت بودند. در یک دوره در تصمیمات مهم کشوری دخالتی نداشتند و در یک دوره بسیار مؤثر بودند حتی نظر آنان سرنوشت مملکت را تغییر می‌داد.

تأمین معاش، همسر دادن فرزندان، مدیریت خانواده از نظر تحصیل و پیشرفت و از نظر رشد جسمی از وظایف مرد بود. جایگاه پدر به‌عنوان رئیس خانواده محفوظ بود. زنان در کنار مردان نقش اقتصادی داشتند به‌خصوص در طبقات پایین‌تر جامعه، دوشادوش مردان تلاش می‌کردند.

در آیین زرتشت از همان ابتدا زن و مرد باهم ستوده شدند و مانند دو بال پرواز برای یک زندگی آفرینند. در کتاب بندهش فصل پانزده ابتدا به خلقت مساوی زن و مرد از شاخه ریواس سخن گفته و سپس به برابری اعمال آن دو و اینکه طرف داران موعود نجات‌بخش آخرالزمان در ایران سی هزار نفر از پاکان و دین‌داران هستند که نیمی از آن مرد و نیمی دیگر زن خواهند بود. (م. باقری، ۱۳۹۰، ص ۳)

در دین زرتشت؛ زن، کنیز و بردهٔ مرد نبود بلکه همسر، همدل و همراه مرد بود و در کلیهٔ حقوق با وی برابر و در جمیع امور با او شریک به شمار می‌آمد. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱)

در اوستا در مورد مرد و زن خوب چنین آمده است: «خورشی از روغن (زرمیه) بعد از مرگ برای جوانمرد نیک‌اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین است و چنین خورشی برای آشون زن^۱ جوان بسیار نیک‌اندیش، بسیار نیک گفتار، بسیار نیک کردار و خوب آموختهٔ فرمان‌بردار شوی است» (دوستخواه، ۱۳۷۱ هادخت نسک، ص ۵۱۳، ش ۱۸)

۱. زن پیرو حقیقت.

اساس تمدن آریایی بر پایه خانواده بود. پدر، هم رئیس خانواده و هم پیشوای روحانی و هم پیشوای جهانی بود. در تمدن آریایی زن، بانوی خانواده و مورد احترام بقیه بود. مقام زن در تمدن ایران برتر از تمدن‌های دیگر بود. (نفیسی، ۱۳۸۴ ص ۱۲)

از توصیه‌هایی که در آیین زرتشت در مورد انتخاب همسر خوب برای دختران شده این مطالب است که «خوب طبیعت و درست و کارآگاه مرد، اگرچه درویش است، پس به دامادی گزین که خواسته از یزدان رسدش». «دخت خود به زیرک و دانامرد ده، چه زیرک و دانامرد چون زمین نیک است که تخم اندر آن افکنده شده است، خواربار گوناگون از او فراز آید.» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۶۷)

جناب زرتشت به پدران، ازدواج دختران در سن بلوغ را توصیه می‌کند و آمده است «دختر خود را شوهر هشیار و دانا ده» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۵۷) زن و شوهر در طول دوران زندگی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند که انجام صحیح و اصولی این وظایف موجب تحکیم بنای خانواده می‌شود.

به مردان توصیه می‌شود برای کسب موفقیت سحرخیز باشند و برای امرارمعاش تلاش کنند و به فکر همه افراد جامعه باشند چراکه مردی که در کارها کوشا و دقیق است، غریق افتخارات می‌شود هرروز بامداد بسیار زود باید برخاست و بکار روزانه پرداخت. چابکی و هوشیاری وسیله توانگری است و باید مالی را که از این طریق به دست می‌آید، برای سود ابنای نوع کار برد. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۵۶۸)

کمک به زن و مرد برای داشتن زندگی بهتر به‌عنوان عمل خوب معرفی شده است و دارای ثواب است. پند و اندرز دادن به زنان و شوهران و راهنمایی آن‌ها نسبت به حقوق و تکالیف زناشویی از کارهای نیک و پر ثواب است. (شهرزادی ۱۳۲۸، خ، فصل ۲۰، ص ۹۲،

زن و شوهری که با عشق و محبت زندگی را شروع می‌کنند این عشق را به فرزندان هم می‌آموزند. برای داشتن کانون گرم و خانواده خوب در باستان بیشتر به زن توصیه شده و وی را دایر مدار این مهم می‌دانند «هر زن حکیم، خانه خود را بنا می‌کند اما زن جاهل آن را با دست خود خراب می‌نماید». «در زاویه پشت‌بام ساکن شدن بهتر است از ساکن بودن با زن ستیزه‌گر در خانه مشترک». «دهان زنان بیگانه، چاه عمیق است و هر که مغضوب خداوند باشد در آن خواهد افتاد». «زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد، قیمت او از لعل‌ها گران‌تر است، دل شوهرش بر او اعتماد دارد.» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۹)

زن و شوهر با مهر و محبت، خانه‌ای گرم و محیطی امن را برای فرزندان می‌سازند. در آن دوران، مسائل عاطفی خانواده بر مسائل مالی ترجیح داشت. از نظر زرتشت پیامبر، زوجی سزاوار پاداش بودند که محبت و عشق بیشتری نسبت به هم داشتند تا بدان هنگام که دل‌وجان شما سرشار از شور و مهر و با یکدیگر می‌جوشید - خواه در فراخی، خواه در تنگی - از پاداش «مگه»^۱ برخوردار خواهید بود. (دوستخواه ۱۳۷۱، اوستا، گاهان ۸۶)

توصیه‌های جناب زرتشت در محور مهر و محبت و یکدلی زن و شوهر باهم است. عبور از تنگنای مالی را در سایه عشق و محبت امکان‌پذیر می‌داند و رضای خداوند را در محبت همسران به هم می‌داند. در قسمت دیگری از اوستا به حفظ این دوستی تأکید می‌کند و عروس و داماد را باهم مخاطب قرار می‌دهد: این سخنان را به نوعروسان و تازه‌دامادان می‌گویم امیدوارم اندرزم را به گوش هوش بشنوید و با ضمیری روشن آن را دریابید و به خاطر بسپارید همیشه با نیک منشی و مهر و دوستی زندگی کنید و در راستی و پاکی و مهرورزی از یکدیگر پیشی جوئید چه بیگمان از زندگی سرشار از خوشی و خوشبختی برخوردار خواهید شد. (اوستا، هات ۵۳، بند ۵) این توصیه‌ها بیانگر اهمیت و تلاش برای داشتن خانواده موفق در آن دوره است.

۱. به موبدان زرتشتی مگه می‌گویند، از پاداش مگه برخوردار می‌شود یعنی فرد پاداشی می‌گیرد معادل پاداش موبد زرتشت.

۲- حقوق خانواده در ساسانی

خانواده در قوانین ایران باستان به خصوص دوران ساسانیان، جایگاه مهمی داشته است و در آثار مختلف آن دوره گاهی قوانین کلی بیان شده و گاهی جزئی ولی می‌توان بامطالعه این آثار، به دستاوردهای مهمی رسید.

بنا بر قول بارتلمه خاورشناس مشهور آلمانی، در عهد امپراتوری ساسانی از لحاظ علمی و نظری حقوق زن به تبع غیره بود و یا به عبارت دیگر شخصیت حقوقی نداشت بلکه شیء پنداشته می‌گردید. وی شخصی که صاحب حقی شناخته شود به شمار نمی‌رفت بلکه چیزی بود که از آن کسی و یا حق کسی به شمار می‌رفت. دارای حقوقی نبود و تحت سرپرستی و قیمومیت رئیس خانوار که کتک خدای^۱ نامیده می‌شد قرار داشت. رئیس خانوار ممکن بود پدر یا شوهر و یا در صورت فوت آنان، جانشین آنان باشد و اختیارات قیم یا رئیس خانوار کمتر محدودیت داشت. تمام هدایایی که احیاناً به کودکان و یا زنان می‌دادند و هرچه که از راه کار تحصیل می‌کردند عیناً مانند درآمد اکتسابی بردگان به رئیس خانوار تعلق داشت. در مسائل حقوقی غالباً دشوار بود تفاوت بین یک زن آزاد و یک برده را تشخیص داد.

در طی زمان در این بینش حقوقی تغییرات زیادی به نفع زن رخ داد. حقوق قدیمی از لحاظ نظری همچنان پابرجا بود اما عملاً در نسل جدید به کار بسته نمی‌شد و رسوم جدید از قدرت و حاکمیت آن کاسته بود. یک رئیس خانوار که حقوق قدیم را برای خود معتبر می‌دانست با عکس‌العمل شدید و وجدان حقوقی مردم روبرو می‌گشت.

از نظر بارتلمه «زنان و کودکان و حتی بردگان در امپراتوری ساسانی بدون تردید وضعشان در حال ترقی و تحول از پایین به بالا بود. آنان در راه استقلال و رهایی از بردگی

جسمانی و عقلانی سیر می‌کردند». (کریستان بارتلمه، ترجمه صاحب‌الزمانی، ۱۳۳۷، ص ۴۰)

آرتور کریستین سن معتقد است توصیف ما در نتیجه تحقیقات بارتلمه از احوال حقوقی زنان در عهد ساسانیان، تضاد بسیار نشان می‌دهد. سبب این تضاد آن است که احوال قانونی زن، در طول عهد ساسانیان تحولاتی یافته است. زن دارای حقوق مسلم‌ای بوده است. در زمان ساسانیان هنوز احکام عتیق در جنب قوانین جدید باقی‌مانده بود و این تضاد ظاهری از آنجاست. پیش از اینکه اعراب مسلمان، ایران را فتح کنند، محققان زنان ایران در شرف تحصیل حقوق و استقلال خود بوده‌اند. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۴۴)

در زمان ساسانیان که دین زرتشت اهمیت اولیه خود را بازیافت و سیستم حکومت نیز به طریق موبد شاهی اداره می‌شد؛ زن ایرانی تحت تعالیم مذهب زرتشت باز حقوق و امتیازاتی را به دست آورد. عصر ساسانیان به قول «دارمستتر»؛ نه تنها از لحاظ تاریخ ایران؛ بلکه برای تمام جهان واجد اهمیت است. از کارنامه اردشیر بابکان این طور برمی‌آید که شخصیت زن از همان آغاز کار ساسانیان محترم شمرده می‌شد. هیچ‌کس حتی پادشاه نمی‌توانست به میل و دلخواه خود، زنی را مورد آزار قرار دهد. به طوری که از الواح و مدارک و اسناد این دوران برمی‌آید، زن از موقعیت خاصی در دوران ساسانیان برخوردار بوده است. مادر شاپور دوم نزدیک به بیست سال یعنی پیش از تولد شاپور تا موقعی که او به سن رشد قانونی رسید؛ امور مملکت را با موبدان بزرگ اداره می‌کرد.

قطعاً در تمام دوران ساسانی شرایط یکسان برای زندگی وجود نداشته و این شرایط در حال تغییر بوده است و این تناقض‌گویی‌ها در مقام موقعیت زنان طبیعی است آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد که بارتلمه هم به آن تأکید دارد این است که این وضعیت رو به بهبودی بوده است نه تنزل، چراکه حکومت ساسانی حدود چهارصد و بیست سال ادامه داشت در این زمان طولانی تغییراتی در فهم و درک مردم و به طبع آن، در قوانین به وجود آمده است.

۱-۲. قوانین ازدواج

در کتب حقوقی در مورد ازدواج، قوانینی وجود دارد که تدوین چنین قوانینی، در آن دوره نشان‌دهنده و دورنمایی از تمدن آن دوره است که به بعضی از قوانین آن اشاره می‌شود: ازدواج بی قرارداد، قانونی نیست. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۵)

نص متن حقوقی بر این است که ازدواج بدون قیمومیت قابل تصور نیست. (کریستین بارتلمه، ترجمه صاحب‌الزمانی ۱۳۳۷ ص ۵۷) بیست‌سالگی سن قانونی ازدواج مردان بود.

حق شوهر دادن دختر در صورت فوت همسر، ابتدا به مادر تعلق می‌گرفت و اگر مادر در قید حیات نبود به ترتیب اقوام دیگر. پدر نبایستی دختر را مجبور به اختیار شوهری که خود تعیین کرده بود بنماید و اگر دختر ابا می‌کرد، پدر حق نداشت او را بدین سبب از ارث محروم کند. (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۴۰)

در مورد آزادی در ازدواج هیچ‌چیزی مستندتر و موجه‌تر از رفتار خود زرتشت نسبت به دختر کوچکش پروچیستا نیست. زرتشت به دختر کوچکش پروچیستا می‌فرماید: «پروچیستا من جاماسب را که مرد دانشمندی است (وزیر گشتاسب و منجم و ستاره‌شناس معروف زمان) برای همسری تو برگزیدم؛ تو باخرد مقدس خود مشورت کن و ببین که آیا او را لایق همسری خود می‌دانی یا نه؟». «شرح سخنان زردشت در روز ازدواج وی و انتخاب جاماسب حکیم برای همسری و آزاد گذاردن او در انتخاب همسر، نشانه علاقه و احترام خاص زردشت به این دختر است». سخن جاماسب در مورد این ازدواج، نشانه تعهد او و درواقع پاسخ اعتماد زرتشت به او است. در بند ۴ یسناگات ۵۳، از زبان جاماسب چنین آمده است: «آری این (پئورو چیستا) را به دلگرمی به دین رهبری کنم تا که او پدر را خشنود تواند ساخت و شوهر، بزرگان، آزادگان، پاک‌دینان... را تا اهورمزدا برای دین نیکش بدو پاداش نیک دهد، همواره جاودان باشد». (قدیانی ۱۳۷۸ ج ۱ ص ۲۲۹)

پدر موظف بود دختر خود را که به بلوغ رسید، شوهر دهد. دختری که ازدواج می‌کرد دیگر ارثی از پدر یا کفیل او دریافت نمی‌کرد. پدر حق ندارد دختر خود را مجبور به ازدواج با مردی کند. پدر حق ندارد دختر خود را اجباراً به عقد سترزنی شوهر دهد.

هرگاه معلوم شد دختری از روی اجبار یا اکراه تن به عقد ستر زنی داده نکاح منفسخ و عقد پادشاه زنی با شوهر فعلی‌اش منعقد خواهد شد. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل نوزدهم ص ۹۲ بند ۴،۵،۳) زنی که از بدرفتاری شوهر خود شکایت نماید باید تا پایان محاکمه او را از تحت سلطه شوهر خارج ساخت. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۲ ص ۷۸ بند ۱۱)

هرگاه در ضمن عقد ازدواج شرط شده باشد که شوهر حق تصرف در اموال زن خود را نداشته باشد در صورتی که بعد از آن کسی چیزی به زن ببخشد شوهر در آن چیز، حق تصرف نخواهد داشت ولی هرگاه ازدواج آنان فاقد چنین شرطی باشد آنچه بعداً به تصرف زن درآید شوهر در آن حق تصرف دارد. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۵ ص ۱۰۹ بند ۵)

اگر آزاد با کنیزی ازدواج کند، آن کنیز مقام آزاد را می‌یابد. اگر مرد اسیر شد زن می‌تواند شوهر کند ولی اگر شوهر اول برگشت باید به خانه او برگردد. (راوندی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۵)

پدر مکلف بود به هر پسری تا سن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج، نان دهد و از آنان نگهداری کند. (راوندی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۶۱)

در داتستان نامه آمده است اگر دختری بدون رضایت ولی خود با مردی ازدواج کند، حقی به خانه پدر نداشته و باید در خانه شوهر بسر ببرد، دیگری گفته چنین عملی به دختر بی‌انصافی بوده و باید با داد با او رفتار کرد. موبد موظف است عقد چنین دخترانی را به نام

خودسرزن^۱ گرفته و پدر می‌تواند او را از ارث محروم کند. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۹ ص ۹۰ بند ۱)

در هنگام عروسی، دختر، تنها حق تصرف مالی را دارد که پدرش به‌عنوان جهیزیه به او داده می‌باشد. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۵ ص ۱۰۹ بند ۲) مهریه در حقوق زنان باستان ذکر شده بود و با توجه به طبقه اجتماعی و پایگاه زن، مقدار آن فرق داشت. خانواده‌های متمول مهریه بالاتری داشتند.

نفقه

هر حقی، وظیفه‌ای را برای شخص مقابل به ارمغان دارد تا زمانی که شخص وظیفه خود را نپذیرد، این حق به مستحق نخواهد رسید و تا زمانی که مطالبه حق نشود کسی به وظیفه عمل نخواهد کرد، این یک مبادله دوطرفه است به‌عنوان مثال در قانون آمده است که بر شوهر است که نفقه زن را تأمین کند یعنی این حق زن به‌عنوان همسر و وظیفه مرد به‌عنوان شوهر است و در قبال این حق، زن باید بدون اجازه همسر از منزل خارج نشود و اطاعت از همسر، وظیفه زن است. این چنین، قانون معنا پیدا می‌کند و حقوق متقابل تحقق می‌یابد.

نفقه یکی از وظایف همسر و جزء حقوق زن بود و به متمول بودن زن ربطی نداشت: شوهری که عین یا درآمد مال معینی را به زن بخشیده باشد نمی‌تواند به این عذر از نفقه خودداری کند. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۶ ص ۱۱۲ بند ۱۲ و ۱۶)

مرد حق ندارد نسبت به زن و فرزندان خود ستم روا دارد. از حقوق شوهر، اطاعت زن از او است، زن باید اوامر و نواهی شوهرش را اطاعت کند، حقوق و مزایای چاکرزن و ستر زن با فرزندان آنان متفاوت است. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۶، ص ۱۱۲، بند ۸، ۱۲، ۳)

۱. زنی که بدون اجازه پدر و سرخود ازدواج کرده است.

۲-۲. حق مالکیت

در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همان گونه که عادت پیشینیان بود منزلتی عالی داشتند، باکمال آزادی و باروی گشاده، در میان مردم آمدورفت می کردند و صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند و می توانستند مانند اغلب زنان روزگار حاضر، به نام شوهر یا به وکالت از طرف او، به کارهای مربوط به او رسیدگی کنند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۱)

در مورد مسائل مالی، قوانینی وجود داشت که تا حدودی دست زن را در استفاده از اموالش آزاد می گذارد از جمله: زن در اداره اموال خود، صاحب اختیار بوده است. زن می تواند اموالش را اداره کند، اجاره بدهد، جهیز خود را پس بگیرد، مال خود را ببخشد، تجارت کند، کسبی پیش گیرد و در زمره روحانیون درآید.

در مشکلات حقوقی مالی، زنان بیوه و دختران مستقل محاکمه می شدند، زنان شوهردار به توسط شوهرانشان. زنان متأهل به وسیله شوهرانشان محاکمه می شدند ولی زنان مجرد و دختران توسط قاضی و حاکم شرع محاکمه می شدند. (پیرنیا، ۱۳۷۵، تاریخ ایران باستان ج ۱، ص ۱۲۲)

زنان بعد از ازدواج نسبت به تصرفات مالی خود آزاد بودند و بدون نظارت یا سرپرستی شوهر می توانستند هرگونه معامله ای را که قانونی باشد انجام دهند. (شهرزادی، ۱۳۲۸، خ، فصل ۷، ص ۷۱، بند ۹)

حقوق زنان و مردان مشخص بود و هرکدام می توانستند مستقل یا به مشارکت تجارت کنند. احکام موجود، حقوق زن ممتاز را راجع به تصرف در اموال شوهری که مجنون شده باشد، معین می نمود. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۴۱)

متهم نمی تواند به عنوان وثیقه یا ضمانت مالی، جواهرات و زینت آلات زن خود را به محکمه بسپارد. (شهرزادی ۱۳۲۸، خ، فصل ۸، ص ۷۲ بند ۱۴ و ۱۹)

«کریستین سن» خاورشناس بزرگ دانمارکی می‌گوید: «رفتار مردان نسبت به زنان در ایران باستان همراه بانزاکت بود. زن چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی از آزادی کامل برخوردار بود. اگر زنی شریک مال شوهرش می‌شد مانند او می‌توانست در مال دخل و تصرف کند و معامله انجام دهد». (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۴۱)

زن دارای حق مالکیت بود و اختیار اموالش را داشت، شوهر نمی‌توانست در اموال خصوصی زن خود تصرفاتی کند. (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۴۱)

واهب در صورتی که قسمتی از مال خود را به زن یا فرزند خود طبق نامه‌ای ببخشد و مهر و امضا کرده باشد بعدها نمی‌تواند آن مال را به شخص دیگری هبه کند. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۳ ص ۸۲ بند ۲۹)

هرگاه شوهری، زن و فرزندانش را در اداره اموال خود، مجاز کرده باشد دیگر نمی‌تواند در محکمه از مداخله زن در اموال خانواده شکایت کند.

هرگاه شوهری بدون اینکه به صراحت پادشاه زن خود را، در اداره اموال خانواده‌اش، ممنوع کرده باشد نمی‌تواند از مداخله زن در اموال خانواده شکایت نماید، زن فقط می‌تواند از آن به بعد تصرف در اموالی کند که خود مالک است. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۶ ص ۱۱۲ بند ۱۰ و ۱۱)

در حقوق مرد آمده است، پدر می‌تواند سرداری اموال خود را به زن یا هر یک از فرزندان خود که صلاح داند بدهد و به موجب قانون سردار نمی‌تواند حق خود را زیاده از آن که هست به دیگری انتقال دهد. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۵ ص ۸۶ بند ۱۳)

شوهر می‌تواند به زنان پادشاه زن خود حق تصرف در اموال خانواده را اعطا کند یا آنان را از آن حق محروم سازد. هرگاه شخصی با رضایت شوهر، مالی را به زن او بخشید شوهر می‌تواند در صورت تمایل در آن مال تصرفاتی نماید. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۵ ص ۱۰۹ بند ۳ و ۲۵)

هرگاه شوهری مال معینی را به زن خود بخشیده و در سند به صراحت ذکر کرده باشد که آن زن حق هرگونه تصرفی در آن مال خواهد داشت با وجود این زن حق ندارد بدون اجازه شوهر آن مال را به غیر انتقال دهد. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۶، ص ۱۱۲، بند ۱۲ و ۱۶)

جهیز مال زن یا خانواده پدر اوست ولی شوهر می‌تواند از آن بهره بردارد. (راوندی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۵)

هرگاه شوهر قبول کند که مال معینی متعلق به زوجه او باشد، دیگر حق تصرف در آن مال را نخواهد داشت. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۵ ص ۱۱۰ بند ۲۶)

جاماسب گوید او از حقوقدانی شنیده است که شخص نمی‌تواند مالی را که به زن و فرزندان بخشیده، به دیگری بفروشد، حتی اگر زنش چاکر زن باشد. (شهرزادی ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۶ ص ۸۸ و ۸۹ بند ۲ و ۵ و ۱۴ و ۱۶)

هرگاه در سندی شوهر به امضاء و مهر خود، پادشاه زن خود را در اداره اموال مجاز کرده باشد دیگر نمی‌تواند او را از حق خود محروم کند مگر در مواد خاص (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۳۶، ص ۱۱۲، بند ۱۳ و ۱۲)

۳-۲. شراکت مالی زن و شوهر

شوهر می‌توانست به وسیله یک سند قانونی، زن را شریک خویش سازد، در این صورت زن شریک مال می‌شد و می‌توانست مثل شوی خود در آن تصرف کند. فقط بدین طریق زوجه می‌توانست معامله صحیحی با شخص ثالث به عمل آورد زیرا در این قبیل امور و در عواقب قانونی آن، زن را شخص مستقل می‌دانستند، نه عضو یک خانواده. (به موجب قانون زناشویی فقط شوهر شخصیت حقوقی داشت.)

مدعی زوجه می‌توانست بدون اینکه احتیاجی به رضایت شوهر باشد، بر ضد زن اقامه دعوی نماید. طلبکار در آن صورت می‌توانست حقوق خود را خواه از زن و خواه از شوهر مطالبه نماید. شوهر می‌توانست با دو زوجه ممتاز خویش «هم‌وندیشه»^۱ و «اشتراک منفعتی» برقرار کند، در این صورت نفع هر یک از آن دو زوجه با شوهر مشترک بود اما در بین خودشان، هر یک از زنان جداگانه مالک نفع خود بودند، مرد می‌توانست در هر موقع این شراکت را به هم زند ولی زنان از این حق محروم بودند. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۴۴۱)

مرد می‌توانست با دو زن خود رسماً قراردادی ببندد و یک شرکت سهامی تجارتي تشکیل دهد و هریک از سه طرف دارای حقوق برابر بودند به استثنای حق فسخ که برای مرد بود. (کریستان بارتلمه، ترجمه صاحب‌الزمانی، ۱۳۳۷، ص ۶۵)

یکی دیگر از قوانین به نفع زن، این بود که با صرف طلاق، مشارکت مالی به هم نمی‌خورد و قرارداد بین آنان فسخ نمی‌شد. هرگاه زن و شوهری در مال معین شریک بودند یکدیگر را طلاق دهند مرد نمی‌تواند، بدون رضایت زن مطلقه، مال را به دیگری ببخشد. (کریستان بارتلمه، ترجمه صاحب‌الزمانی، ۱۳۳۷، ص ۷۱)

هرگاه دو نفر از افراد خانواده مشترک، بخواهند از هم جدا شوند یکی از آنها نمی‌تواند دیگری را به سبب آن که مبذر و متلف است از سهم اموال مشترک محروم نماید. (شهرزادی، ۱۳۲۸، خ، فصل ۳۶، ص ۱۱۵، بند ۷)

حقوق دانان گفته‌اند ابقاء شرکت آنان در مال مشاع، هنگامی در محکمه پذیرفته است که چنین قراردادی در میان آنان موجود باشد، دیگری گفته است طلاق به معنی فسخ شرکت زن و شوهر در مال مشاع نبود و شراکت آنان پس از طلاق باقی می‌ماند. (شهرزادی، ۱۳۲۸، خ، فصل ۷، ص ۷۱، بند ۵ و ۶)

۱. در باستان بعضی زن‌ها مقام پایین‌تری داشتند و به آنان ستر زن می‌گفتند و به زنی که مقام بالاتر داشت، زن ممتاز یا پادشاه زن می‌گفتند، در اینجا یعنی دو زن یک مرد که دارای حقوق یکسان بودند.

بهرام در حقوق خانواده، گفته است: مدیون نمی‌تواند قبل از پرداخت دین یا انجام تعهدات مالی خود، اموال خود را به دیگری واگذار نماید یا هبه کند. هرگاه مردی با رضایت زن خود، مقداری از مال خود را به دیگری ببخشد، در صورتی که آن مال برای رفع حوایج ضروری خانواده آن مرد لازم باشد، آن بخشش از درجه اعتبار ساقط است و چنین مالی باید به صاحبش برگردد ولو به موجب وصیت باشد. هرگاه زن و شوهری نتوانند مالکیت خود را به مال معین ثابت کنند، آن مال متعلق به فرزند یا فرزندان خواهد بود که از آن دو به وجود آمده باشد. ریس خانواده موظف است در صورت وجود قرارداد، ازدواج ستر زنی ۱ را در مورد یکی از افراد خانواده انجام دهد. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۴۱، ص ۱۲۴، بند ۷)

۲-۴. بدهی زن

زن و شوهر مسئول قروض یکدیگر که قبل از ازدواج حاصل شده، نمی‌باشند.

۲-۵. بدهکاری خانواده

هرگاه شخصی در محکمه از خانواده‌ای مطالبه دین خود کند حضور کدبانو و سردار خانواده در محکمه لازم باشد، آن دو نفر (کدبانو و کدخدا) باید وجهی را به‌عنوان ضمانت از مال خانواده به دادگاه بسپارند ولی اگر مدعی دین خود را از کدبانو و سردار خانه به‌صورت مشترک یا منفرد مطالبه نماید آن دو نباید وجه‌الضمان را از مال خانواده به محکمه بسپارند به عقیده روانداد، پرداخت چنین وجهی از مال خانواده، صلاح نیست. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۲، ص ۷۷، بند ۲)

۱. در باستان داشتن فرزند حائز اهمیت بود تا حدی که اگر مردی از دنیا می‌رفت و فرزندی نداشت در روز پسین از پل چینوت نمی‌توانست عبور کند، قاضی باید برای او فرزندخوانده برگزیند، به‌این ترتیب که جهیزیه و امکانات ازدواج همسر یا دختری از نزدیکان متوفی و اگر نبود از غریبه را فراهم کند آن شخص بعد از ازدواج اگر پسر آورد باید او را پسرخوانده شوی متوفی کند، به زنی که این‌گونه ازدواج کند، ستر زن گویند.

همه بندهای قانونی نشان می‌دهند که برای حفظ و بقای خانواده، برنامه‌ریزی می‌شد و این مطلب مدنظر قانون‌گذاران بوده است.

۶-۲. سرپرستی خانواده در فقدان شوهر

در وصیت‌نامه برای اداره امور منزل، گاهی متوفی سردار تعیین می‌کند و یا پادشاه زن خود را مسئول خانواده می‌کند. هرگاه ریاست خانواده به عهده ستر زن باشد دیون آن خانواده باید به وسیله سردار خانواده پرداخت گردد. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۲، ص ۷۷، بند ۹ و ۳)

هرگاه سردار خانواده بدون جهت مشروع از دریافت مطالبات و حقوق مالی خانواده تحت الکفاله خود امتناع ورزد کدبانوی خانواده می‌تواند به محکمه شکایت کند.

باوجود سردار، کدبانو حقوقی دارد. کدبانوی خانواده می‌تواند از سوء اداره سردار خانواده خود شکایت کرده و او را به وسیله محکمه عزل و دیگری را به جای وی نصب نماید. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۲، ص ۷۹، بند ۱۲)

هرگاه یکی از افراد خانواده از طرز اداره سردار خانواده خود شکایت کند، وکیل سردار در محکمه، نماینده خانواده محسوب نخواهد شد. (شهرزادی، ۱۳۲۸ خ، فصل ۱۲، ص ۷۸، بند ۱۰)

۷-۲. ازدواج با محارم و تحریم ازدواج

اهتمام در پاک‌ی نسب و خون خانواده یکی از صفات بارز جامعه ایرانی بشمار می‌رفت تا حدی که ازدواج با محارم را جایز می‌شمردند و چنین وصلتی را خویندوگدس (در اوستا خویات ودث) می‌خواندند.

این رسم از قدیم معمول بود حتی در عهد هخامنشیان، اگرچه معنی لفظ خویات ودث در اوستای موجود مصرح نیست ولی در نسکهای مفقود مراد از آن، مزاجت با

محارم بود. در بغنسک و ورشتمان سرنک، اشاره به اجر این عمل رفته است. مزاجت بین برادر و خواهر به وسیله فره ایزدی روشن می‌شود و دیوان را به دور می‌رانند. نرسی برزمهر مفسر ادعا کرد که خویذوگدس معاصی کبیره را محو می‌کند. در زمان ساسانیان نه تنها در کتب معاصران مثل آگاثیاس و کتاب منسوب به ابن دیصان ذکر این عمل رفته بلکه در وقایع آن دوره، شواهدی چند وجود دارد. (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۳۴)

ازدواج با اقارب به هیچ وجه گناه محسوب نمی‌شد بلکه عمل ثوابی بود که از لحاظ دینی اجری عظیم داشت. محتمل است که قول هیون تسیانگ چینی در اوایل قرن هفتم میلادی که می‌گوید ازدواج ایرانیان عصر او بسیار آشفته است، ناظر به همین رسم باشد. (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۳۶)

در دوره باستان، ازدواج با همسران پدر و با زن پسر - بعد از مرگ یا جدایی از شوهرانشان - طبیعی بود حتی در بعضی از جاها ازدواج با زن پدر را حق پسر بزرگ‌تر می‌دانستند. ازدواج با دو خواهر هم منعی نداشت همان‌طور که در بین اعراب متداول بود. دامنه ازدواج گسترده بود و تحریمی در این زمینه وجود نداشت.

۸-۲. انواع ازدواج

زنانی که ازدواج می‌کردند پنج نوع بودند و هر کدام اسمی داشتند. زنانی که با اجازه پدر و مادر، شوهر می‌کردند موسوم به پادشاه زن بودند. اولاد آنان در هر دودنیا متعلق به خودشان بود. زنی که یگانه فرزند والدین بود، اوگ زن نامیده می‌شد و بایستی مولود اول را به والدین خود بدهد تا جای‌گیر او در خانواده پدر باشد، پس از اینکه این کار را می‌کرد این زن هم پادشاه زن - زن ممتاز - نامیده می‌شد. اگر پسری که به حد بلوغ رسیده بود، قبل از ازدواج می‌مرد، والدین او می‌توانستند جهیزیه داده و زنی که از خانواده بود با مردی خارج از خانواده ازدواج کند. چنین زنی را سدرزن - زن خوانده - می‌نامیدند و نصف اولاد

این زن به خودش و نصف دیگر به متوفی اختصاص می‌یافت زیرا عقیده داشتند که در آن دنیا این زن، زن متوفی خواهد شد.

هرگاه زنی بعد از فوت شوهرش، شوهری اختیار می‌کرد چهرزن نامیده می‌شد. (کلفت زن) و اگر اولادی از شوهر اولی نداشت، سدرزن می‌گردید و نصف عده اولاد به خودش و نصف دیگر به شوهر متوفی تعلق می‌یافت. در این مورد، عقیده داشتند که در آن دنیا این زن، زن متوفی خواهد شد. زنی که بدون رضایت پدر و مادر شوهر می‌کرد خود سرای زن نام داشت. (پیرنیا، ۱۳۷۵، تاریخ ایران باستان، ج ۴، ص ۲۸۷۹)

در آیین زرتشت فقط به دو نوع زن اشاره شده است؛ پادشاه زن و چکرزن. انواع دیگری که نام‌برده شد در ایران باستان وجود داشت. پادشاه زن از نظر طبقاتی باید با مرد هم‌شان بود و مرد موظف بود علاوه بر مهریه در تمام عمر، خرج او را عهده‌دار شود و یومیه‌ای درخور شخصیت خانوادگی او بپردازد. چاکرزن مهریه داشت و در طبقه پایین‌تر از شوهر قرار داشت و از هر نظر تحت ریاست پادشاه زن قرار داشت و مانند سایر اعضاء از خوراک و پوشاک استفاده می‌کرد و معمولاً تا سن هفتادسالگی یعنی تا زمانی که به حال خانه‌داری مفید باشد از مقرری سالانه برخوردار بود. (بارتلمه، ترجمه صاحب‌الزمانی، ۱۳۳۷، ص ۵۴)

۹-۲. تعداد زوجات

تعداد زوجات و داشتن هم‌خواه از کنیزهای زرخرید یا زنانی که در جنگ اسیر می‌شدند در میان نجبا شیوع داشت. دختران را از طفولیت نامزد می‌کردند و در سن ۱۵ سالگی شوهر می‌دادند تا بر عده خانواده‌ها افزوده شود. (حسن پیرنیا، ۱۳۷۵، تاریخ ایران باستان، ج ۴، ص ۲۸۷۹)

هرودوت نقل می‌کند که پادشاه هر سال به رعیتی که اهل‌بیتش از همه بیشتر است جایزه خاص می‌دهد. (سایکس، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۲)

در عادات بین ایرانی‌ها و مقدونی‌ها، تفاوت زیادی نبود. هر دو جنگ و شکار کردن و خوب خوردن و زیاد آشامیدن و بردن غنائم و تعدّد زوجات را دوست داشتند. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، فصل سوم، ص ۱۳۸)

اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده به شمار می‌رفت. در عمل عده زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد، به نسبت استطاعت او بود. مردمان کم‌بضاعت به‌طور کلی بیش از یک زن نداشتند. رئیس خانه (گدگ خودای - کدخدا) از حق ریاست دودمان (سرادریه دودگ - سرداری دوده) بهره‌مند بود. یکی از زنان سوگلی، صاحب حقوق کامل محسوب می‌شد و او را زن پادشاییها (پادشاه زن) یا «زن ممتاز» می‌خواندند. از او پست‌تر زنی بود که عنوان خدمتکاری داشت و او را «زن خدمتکار» (زنی چگاریها) می‌گفتند. حقوق قانونی این دو نوع زوجه مختلف بود. کنیزان زرخرید و زنان اسیر جزء طبقه چاکرزن بودند.

در مورد آیین زرتشت جناب آقای موبد سروش پور می‌گویند: پادشاه‌زنی در زرتشت معروف است. ازدواج با یک زن که ازدواجی است دوجهانی و زن بعد ازدواج به موقعیتی می‌رسد که به او پادشاه زن لقب می‌دهند. ایشان بیان داشتند تعدد زوجات در آیین زرتشت وجود ندارد. تنها چکرزنی که در صورت نازایی همسر اول، آن‌هم در دوره خاصی موجود بوده است و اکنون نیست.

نتیجه گیری

وجود قانون در هر جامعه‌ای نشان از تمدن و فرهنگ آن جامعه دارد. حتی اگر به ظاهر در برخی موارد قانون به ضرر انسان باشد و نتواند حق انسانیت انسان را ادا کند بازهم وجود آن ضروری می‌نماید چراکه موجب جلوگیری از هرج و مرج می‌شود. حقوق انسان‌ها در مقابل یکدیگر در قانون معنا و بیان می‌شود و تخلف از آن سخت می‌شود و آرامش بیشتر در جامعه حکم فرما می‌شود. البته این مسئله به چگونگی برخورد و رفتار مجریان قانون هم‌بستگی دارد. ماتیگان هزاردستان - هرچند دارای هزار قانون نیست - یکی از بزرگ‌ترین نامه‌های خط پهلوی است، همه قسم قانون مندرج است: قوانین زناشویی، خانواده، فرزندخواندگی و

از این قوانین به خوبی پیداست که قرن‌ها پس از تسخیر ایران توسط اعراب، قوانین باستان همچنان در میان پیروان آیین کهن رواج داشت، سرچشمه این قوانین چنانچه در خود روایات بارها یاد شد، اوستا و تفسیر پهلوی آن به‌ویژه تفسیر پهلوی وندیداد و نوشته‌های دینی پهلوی چون شایست ناشایست و بندهشن و نیرنگستان و دانستان دینیک و دینکرد است. از این قوانین به خوبی می‌توان به پایه تمدن ایرانیان پی برد و با مقایسه با قوانین روم در آن زمان، دانست که اخلاق پاک، اساس قوانین ایرانیان بوده است. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۹۰)

اطلاعات راجع به جامعه ایرانی از منابع قدیم، هرچند ناقص و پراکنده است ولی نشان از یک جامعه‌ای می‌دهد که نیروی ذاتی و استحکام باطنی آن مبتنی بر علاقه عمیق و پیوند خلل‌ناپذیر دودمانی داشت.

قوانین را برای پاسبانی خانواده و دارایی وضع کرده بودند و به این وسیله می‌خواستند امتیاز طبقات را با دقت هرچه تمام‌تر حفظ کنند و هر فردی را در درجات اجتماعی به مقامی معلوم تخصیص دهند. (کریستین سن، ترجمه ۱۳۶۸، ص ۴۴۹) احکام و قوانین در کتاب ماتیکان هزاردادتستان، حاکی از اهمیت قانون مداری در جامعه ایرانی آن دوره است.

مراحل ازدواج در جامعه باستانی از قبیل خواستگاری، نامزدی و عروسی با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌شد و هم‌اکنون در جامعه ایران اسلامی ادامه دارد.

در دورانی که خیلی از قوانین نقص داشت و به کمال نرسیده بود، در مورد حقوق خانواده در قوانین جامعه ایران باستان آمده است که «مرد حق ندارد نسبت به همسر و فرزندان خود ستم روا دارد. از حقوق شوهر، اطاعت همسر از او بوده است. حقوق و مزایای چاکرزن و سترزن با فرزندان آنان متفاوت بود»؛ بنابراین می‌توان گفت دوران ساسانی از نظر قوانین خانواده تکامل یافته بود و به حقوق زن و مرد توجه خاص می‌شد.

علاوه بر این، آیین زرتشت در دوره ساسانی راهگشای بسیاری از کسانی بود که می‌خواستند با الهام از شریعت به خودسازی بپردازند و زندگی خویش را با معنویت عجین کنند. پادشاهان و اشخاصی که برای رسیدن به منافع شخصی، خود را قانون‌گذار می‌دانستند در مقابل آنان بودند و از پایمال کردن حقوق دیگران و بی‌توجهی به اعتقادات آنان، ابایی نداشتند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. بارتولومه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی (۱۳۳۷)، تهران: عطایی، ۱۳۴۴.
۲. باقری، م، ۱۳۹۰، زن و خانواده در ایران باستان و زرتشت، (مقاله)، جمعه یازدهم آذرماه، mihahntheme.com.
۳. پیرنیا، حسن (وفات ۱۳۱۴) و اقبال آشتیانی، عباس (وفات ۱۳۳۴)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: نشر خیام، ۱۳۸۰ ش، چاپ نهم، یک‌جلدی.
۴. پیرنیا، حسن، (۱۳۷۵) تاریخ ایران باستان، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، چهارجلدی.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ ه ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۲۹ جلدی.
۶. دوست‌خواه، جلیل (۱۳۷۱)، اوستا کهن‌ترین سروده‌ها و متن‌های ایرانی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ دهم، تک‌جلدی.
۷. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: چاپ دوم، انتشارات نگاه، ۱۲ جلدی.
۸. سعادت‌مند، فاطمه السادات، سعادت‌مند، نیرالسادات (۱۳۹۲)، خانواده در شاهنامه، تهران: فرهنگ سبز، چاپ اول، یک‌جلدی.
۹. شهرزادی، موبد رستم (۱۳۲۸ خ)، گردآورنده و برگردان، قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان؛ ماتیکان هزار داستان، [Matikan – hezar-datsetan-www-tarikhfa-com](http://Matikan-hezar-datsetan-www-tarikhfa-com).
۱۰. کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب چاپ ششم، یک‌جلدی.
۱۱. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، چاپ هشتم.
۱۲. نفیسی، سعید (۱۳۸۴)، تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش‌ازتاریخ و آغاز تاریخ، به اهتمام عبدالکریم جزیره دار، تهران: انتشارات اساطیر، تک‌جلدی.
۱۳. واقدی، کاتب، ۱۳۷۴، الطبقات‌الکبری، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۱۴. هردوت (۱۳۸۲)، تاریخ هردوت، مصحح: هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۵ جلدی.